

بانکداری اسلامی و ثبات مالی

دکتر پرستو شجری*



۱. مقدمه

به وام و نرخ نقدینگی در بانک‌های اسلامی نشان می‌دهد. بانک‌های اسلامی از لحاظ متوسط بازدهی دارایی‌ها عملکرد بهتری دارند و رشد دارایی‌های آنها بیشتر و سریع‌تر بوده است و همچنین نسبت سرمایه بالاتر و اتکا به وام کمتری داشته‌اند. اما بانک‌های اسلامی کارآمدی هزینه‌ای کمتری دارند که می‌توان علت این امر را در عدم صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس در این بانک‌ها دانست.^۱

بررسی وضعیت بانک‌های اسلامی در بحران مالی اخیر نشان می‌دهد که این بانک‌ها به میزان کمتری از موج اول بحران در سال ۲۰۰۸ آسیب دیده‌اند، در حالی که بانک‌های سنتی به دلیل استفاده از رویکرد مبتنی بر بازار در ارزش‌گذاری اوراق بهادار، بیشتر در معرض تأثیرات بحران قرار داشته‌اند. بانک‌های اسلامی کمتر از این بحران آسیب دیدند اما این روند مثبت در بانک‌های اسلامی ادامه پیدا نکرده و در نیمه نخست سال ۲۰۰۹ سودآوری بانک‌های اسلامی کاهش بیشتری را نسبت به بانک‌های متعارف نشان می‌دهد (صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۰۹).

عملکرد بهتر بانک‌های اسلامی در مواجهه با بحران اخیر جهانی، توجه بسیاری را به سمت چگونگی سازوکار این بانک‌ها جلب نمود. تقاضا برای خدمات ارائه شده از جانب بانک‌های اسلامی روندی مثبت را طی کرده و در نتیجه این بانک‌ها در سال‌های اخیر رشد قابل‌ملاحظه‌ای داشته‌اند؛ به نحوی که ارزش دارایی‌های آنها به ۸۵۰ میلیارد دلار رسیده است.

بانک‌های اسلامی بر اساس ماهیت ارتباطات تجاری و تمرکز بر بخش واقعی اقتصاد و همچنین انعطاف‌پذیری در مقابل نرخ سود که طرفین را در مراودات بانکی و سود و زیان آن دخیل دانسته‌اند و سود دو طرف از قبل تعیین نشده است، توانستند در مقابل نوسانات اخیر مالی انعطاف‌پذیری بیشتری داشته باشند.

تحلیل‌ها بر اساس ۱۲ بانک حوزه خلیج فارس از ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹، عملکرد بهتری را از سوددهی، کیفیت دارایی، اتکا

بانک‌های اسلامی همانند بانک‌های متعارف با ریسک تعریف شده در سیستم بانکی مواجه هستند و ریسک اعتباری می‌تواند مهم‌ترین ریسکی باشد که هر دو سیستم بانکی را تهدید می‌کند. اما در بعضی دیگر از موارد همچون بحران اخیر مالی، بانک‌های اسلامی بر خلاف بانک‌های سنتی، مستقیماً در معرض ریسک سرمایه‌گذاری در مشتقات مالی یا اوراق بهادار نهادهای مالی سنتی قرار نداشته‌اند و همین امر توانست مانند چتری در مقابل تأثیرات منفی بحران از آنها محافظت کند.

با توجه به روند رو به رشد تقاضا برای بانک‌های اسلامی، لزوم شفافیت در قوانین و مقررات این بانک‌ها بیش از پیش احساس می‌شود و می‌بایست جزئیات دقیق سازوکار این بانک‌ها معرفی شود.

در این مقاله ابتدا به تحلیل مختصری از ثبات مالی پرداخته خواهد شد و در ادامه خلاصه‌ای از نکات و نتایج تحقیق سیهاک و هس^۲ در زمینه مقایسه عملکرد بانک‌های متعارف و بانک‌های اسلامی و ثبات مالی در این دو نوع بانکداری بیان خواهد شد. در بخش سوم نیز تأثیرات بحران اخیر مالی بر بانک‌های اسلامی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲. ثبات مالی

در دهه‌های اخیر ثبات مالی به‌عنوان یک هدف سیستم اقتصادی، بیش از پیش در سیاستگذاری‌ها مورد توجه قرار گرفته است. بانک‌های مرکزی و مؤسسات مالی بسیاری، از جمله صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و بانک تسویه بین‌الملل، گزارش‌های زیادی را در زمینه ثبات مالی منتشر کرده و بخش بزرگی از فعالیت‌های تحقیقاتی خود را به مطالعه در این زمینه اختصاص داده‌اند. در یک تعریف ساده، ثبات مالی به شرایطی اطلاق می‌شود که سیستم با شرایط بحرانی مواجه نشده باشد. ثبات در یک سیستم مالی زمانی برقرار خواهد بود که:

- تخصیص منابع اقتصادی به‌صورت کارا و به سهولت انجام گیرد (پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، وام‌دهی و وام‌گیری و رشد اقتصادی)؛
- ریسک مالی شناسایی، ارزیابی و مدیریت شده و در نهایت به‌صورت کمی ارائه شود؛
- سیستم، توانایی ادامه به کار را حتی در زمان شوک‌های خارجی داشته باشد.

عملکرد بهتر بانک‌های اسلامی در مواجهه با بحران اخیر جهانی، توجه بسیاری را به سمت چگونگی سازوکار این بانک‌ها جلب نمود.

تعریف دیگری که می‌توان از ثبات مالی ارائه داد، عملکرد مناسب و استحکام تمامی اجزای تشکیل‌دهنده یک سیستم مالی است. تمامی اجزای یک سیستم مالی در اقتصاد به هم مرتبط بوده و چنانچه یکی از این اجزا دچار عدم تعادل گردد، تمامی سیستم را دچار بی‌ثباتی خواهد کرد. در این تعریف ثبات مالی تمامی اجزای سیستم مورد توجه قرار گرفته است و ارتباط ثبات سیستم مالی و تمامی فعالیت‌های مرتبط با این سیستم مطرح شده است.

تعریف دیگری که گری‌شیناسی^۳ از ثبات مالی ارائه داده است، ممانعت از داخل شدن عناصر اصلی سیستم مالی در یک سری عدم تعادل‌هایی می‌باشد که به‌صورت دوره‌ای کارایی اقتصادی را تهدید می‌کند. او ثبات مالی را در اقتصاد شرط لازم برای ارزیابی، شناسایی و مدیریت درست ریسک مالی (اعتباری، نقدینگی و بازار)، به‌منظور حداکثر کردن کارایی اقتصادی می‌داند.

۲-۱. ریسک مالی

پیچیدگی‌های ایجاد شده در بازارهای مالی در فرایند جهانی‌شدن، به‌دلیل نوآوری‌های تکنولوژیکی و اوراق بهادارسازی به‌عنوان وسیله‌ای برای مقابله با ریسک‌های بانکی، سیستم مالی را با چهار چالش بزرگ روبه‌رو کرده است: عدم شفافیت، پویایی بازار، خطر اخلاقی و ریسک‌های سیستماتیک.

عدم شفافیت

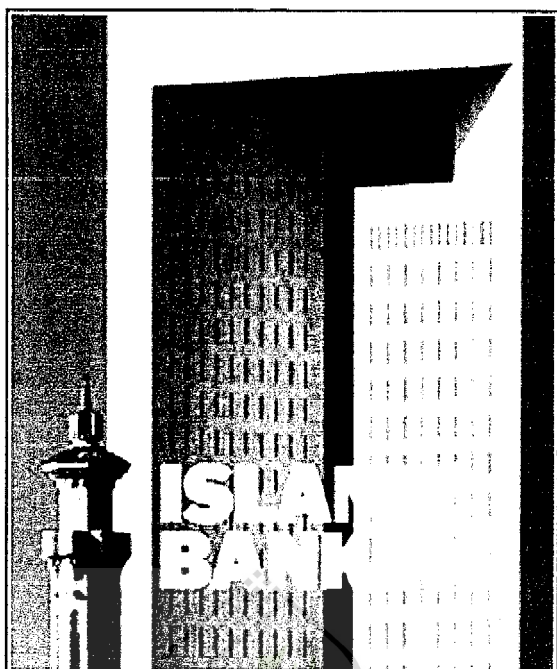
به‌دلیل اینکه اطلاعات در مورد بخش بزرگی از فعالیت‌های مالی در گزارش عملکرد بانک‌ها درج نشده است، این اطلاعات ناقص است و در دسترس تمامی سرمایه‌گذاران و یا ناظران سیستم بانکی نیست.

جهش در بازار

وابستگی بسیاری از شرکت‌ها به بورس، به‌جای بانک‌ها، برای دستیابی به منابع مورد نیاز و قرار گرفتن آنها در فرایند جهانی شدن، توانست به تغییرات شدید و آشفتگی‌های دوره‌ای در بازارهای مالی منجر شود. همچنین کاهش هزینه معاملات به پایین‌ترین سطح خود باعث شد تا حجم زیادی از معاملات در زمان محدودی انجام گیرد. این امر نوسانات قیمتی را تشدید کرد و رفتارهای گله‌ای^۴ (یعنی زمانی که هر کس رفتارهای دیگری را دنبال می‌کند) نیز باعث عدم تعادل در سیستم زنجیره‌ای شد.

خطر اخلاقی

خطر اخلاقی همیشه زمانی رخ می‌دهد که رقابت حقیقی در بازار وجود نداشته باشد. همین امر باعث می‌شود رفتارها و عکس‌العمل یک بنگاه با احتیاط کمتر نسبت به زمانی که با ریسک کامل مواجه است، شکل گیرد. در این شرایط ورشکستگی بسیاری از نهادهای اصلی در سیستم مالی، چه در سطح بین‌المللی و چه در سطح ملی،



قانونی جهت شناسایی و کنترل این نوع ریسک وجود دارد. در نتیجه، تسلط نهادهای کنترل‌کننده بر اطلاعات بازار کمتر شده و فاصله آنها با شرکت‌کنندگان در بازار بیشتر شده است.

۲-۲. تحلیل ثبات مالی

اگر بخواهیم تحلیل درستی از ثبات مالی داشته باشیم، می‌بایست منابع ریسک و عوامل ضربه‌پذیری سیستم مالی در تمامی بخش‌های مختلف سیستم مالی و اقتصاد واقعی (خانوار، بنگاه‌ها و دولت)، به‌دقت مورد بررسی قرار گیرد. می‌توان سه ستون اصلی برای ثبات مالی بیان نمود:

۱. بررسی‌های احتیاطی کلان اقتصادی

در این روش برای تحلیل ثبات مالی از شاخص‌های کلان سیستم مالی استفاده می‌شود و روند آنها مورد توجه قرار می‌گیرد. در حقیقت بی‌ثباتی مالی و راه‌های انتقال آن از طریق بررسی این شاخص‌ها مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

۲. نظارت و مقررات سیستم مالی

کنترل و نظارت بر سیستم مالی در سطح کلان و خرد در تک تک مؤسسات خدمات مالی جهت اطمینان از اداره و مدیریت صحیح ریسک.

۳. اخلاق مالی و مشروعیت

وجود شفافیت در سیستم مالی به همراه اطلاعات همگن برای تمامی شرکت‌کنندگان، در ثبات این سیستم نقش مهمی را ایفا می‌کند. عدم شفافیت و وجود اطلاعات نامتقارن در بازار باعث می‌شود که رابطه میان بنگاه‌های

می‌تواند تمام سیستم مالی را تحت تأثیر قرار داده و حتی بر بخش‌های حقیقی اقتصاد نیز تأثیر منفی بگذارد. معمولاً این نهادها و مؤسسات بزرگ در کشورها از جانب دولت حمایت‌های ویژه‌ای می‌شوند، به همین دلیل ریسک بالاتری را نسبت به حالت معمول می‌پذیرند.

در این حالت دولت‌ها به دنبال یک طناب ایمنی مالی برای محافظت از سپرده‌گذاران (بیمه سپرده‌ها)، سازمان‌های مالی (سهولت جهت استفاده از آخرین وام‌دهنده) و همچنین بازار (تزریق نقدینگی) خواهند بود. در زمان بحران نیز حمایت و دخالت دولت جهت جلوگیری از سرایت تأثیرات منفی آن به دیگر بخش‌ها همیشه احتمال به وجود آمدن خطر اخلاقی را به‌وجود می‌آورد. در نتیجه، این حمایت‌ها باعث می‌شود شرکت‌کنندگان در بازار، موارد احتیاطی را در معاملات خود کمتر در نظر بگیرند.

۴. ریسک سیستماتیک

ریسک سیستماتیک به ریسکی گفته می‌شود که ناشی از تحولات کلی بازار است و تنها مختص به شرکت خاصی نمی‌باشد. به بیان دیگر ریسک سیستماتیک در اثر حرکت‌های کلی بازار به‌وجود می‌آید. طبق نظریه‌های پرتفولیو با پرگونه‌سازی سبد سهام می‌توان ریسک غیرسیستماتیک را از بین برد، ولیکن ریسک سیستماتیک همچنان باقی می‌ماند. انتقال این گونه از ریسک، سیستم بانکی دیگر بازارهای مالی و مشتقات آن و نیز سیستم مقرراتی را تهدید می‌کند.

هم‌اکنون با توجه به تولیدات و تکنولوژی‌های جدید در بازار مالی، مشکلات زیادی بر سر راه نهادهای رسمی و

اقتصادی در شرایط نامطمئن و مبهم شکل گرفته و در نتیجه بازار مالی دچار عدم ثبات خواهد شد.

۳. ثبات مالی و بانکداری اسلامی

تعداد مؤسسات مالی اسلامی از یک در سال ۱۹۷۵ به بیش از ۳۰۰ مؤسسه در سال ۲۰۱۰، در ۷۵ کشور به همراه دارایی‌هایی بیش از ۸۵۰ میلیارد دلار رسیده است. این روند رو به افزایش مؤسسات اسلامی حاکی از افزایش تقاضا برای خدمات ارائه شده در بانک‌های اسلامی در سال‌های اخیر می‌باشد که همین امر بررسی دقیق در زمینه چگونگی عملکرد این بانک‌ها را طلب می‌کند. یکی از مهم‌ترین سؤالاتی که می‌توان در این زمینه مطرح نمود این است که چه عاملی بیشتر از همه باعث شده تا سپرده‌گذاران نسبت به قبل تمایل بیشتری به این مؤسسات داشته باشند.

بررسی‌های اقتصادی و سنجش عملکرد داخلی بانک‌ها، به‌خصوص زمانی که بانک‌ها از طرف دولت حمایت می‌شوند، برای اکثر سپرده‌گذاران میسر نیست و ارزیابی عملکرد بانک‌ها بر عهده نهادهای ذی‌ربطی می‌باشد که صلاحیت انجام این کار را دارند. به همین دلیل شاید ثبات مالی در سیستم بانکی یکی از مهم‌ترین عواملی باشد که بر تقاضا از یک مؤسسه و یا چندین مؤسسه مالی که با سیستم خاصی کار می‌کنند، تأثیر می‌گذارد و تمایل مردم را نسبت به آنها افزایش می‌دهد.

سپهاک و هس در سال ۲۰۰۸ مطالعه‌ای را در زمینه ثبات مالی در بانک‌های اسلامی نسبت به بانکداری متعارف انجام دادند. در این مطالعه می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

♦ این تحقیق زمانی انجام شد که بیشتر مطالعات در این زمینه توضیحی و تفسیری بوده و مطالعات تجربی کمی در زمینه ارزیابی بانک‌های اسلامی انجام نشده بود. این تحقیق یک مطالعه تجربی برای بررسی کارایی مؤسسات مالی اسلامی نسبت به مؤسسات مالی متعارف، با تمرکز بر ثبات مالی بوده است. در واقع این مقاله به بررسی ثبات مالی در مؤسسات تازه تأسیس شده اسلامی در دوره زمانی ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۴ می‌پردازد؛

♦ این بررسی بر اساس استاندارد شناخته شده ثبات مالی انجام شده و از این شاخص به‌عنوان متغیر وابسته جهت ارزیابی ریسک بانکی و به‌عنوان یک معیار جهت ارزیابی عملکرد بانک‌ها استفاده شده و این امکان را می‌دهد که شرایط مالی بانک و امکان ورشکستگی آن بررسی شود؛

♦ این معیار توسط ادوارد آلتمن^۵ گسترش داده شد و به‌تدریج به یک معیار قابل اعتماد برای سنجش سلامت سیستم مالی بانک‌ها تبدیل شده است (زمانی که Z بزرگتر باشد به معنای این خواهد بود

تمرکز بانک‌های اسلامی بر بخش واقعی اقتصاد بوده و بر درآمد حاصل از سهام و اوراق تکیه ندارد و همچنین قوانین شریعت خرید و فروش وثیقه‌ها و بدهی‌ها را نیز منع کرده و همین امر باعث شده است که بی‌ثباتی مالی اخیر تأثیر چندانی بر بانک‌های اسلامی نداشته باشد.

که بانک با ریسک کمتری مواجه می‌باشد؛
♦ پیش‌بینی‌های این معیار با دقت بین ۷۲ تا ۸۰ درصد بوده و در نتیجه از کارایی مناسبی برخوردار است و از سال ۱۹۸۵ تا به حال برای ارزیابی شرایط وام‌دهی بانک‌ها مورد استفاده قرار گرفته است.^۶

۳-۱. مدل ریاضی Z-Score

Z-Score یک ترکیب خطی تعدیل‌شده از چهار یا پنج نسبت مالی است که به‌وسیله ضرایب تعریف شده توسط آلتمن از طریق مدل تبعیض^۷ برای شرکت‌های تولیدی دولتی، تخمین زده شده است. ابتدا آلتمن تمامی شرکت‌هایی را که اعلام ورشکستگی کرده بودند، شناسایی و در مرحله بعدی بنگاه‌هایی را که نجات پیدا کرده‌اند، مطابق با اندازه (دارایی‌ها) و نوع صنعت آنها گروه‌بندی کرد.

نمونه اصلی شامل ۶۶ بنگاه بود که نیمی از آنها دچار ورشکستگی شده‌اند. تمامی بنگاه‌ها در این نمونه بنگاه‌های تولیدی و کوچک بوده‌اند و بنگاه‌های با دارایی کمتر از ۱ میلیون دلار از نمونه حذف شدند.

اصل فرمول Z به‌صورت زیر محاسبه شده است:

$$Z = 1/2T_1 + 1/4T_2 + 3/3T_3 + 0/6T_4 + 0/999T_5 \quad (۱)$$

T_1 = سرمایه در گردش / کل دارایی‌ها (اندازه‌گیری دارایی نقدی نسبت به اندازه بنگاه)

T_2 = سود توزیع نشده / کل دارایی (اندازه‌گیری سوددهی نسبت به قدمت بنگاه و درآمدزایی آن)

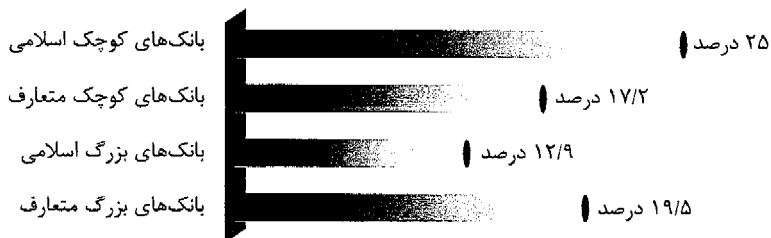
T_3 = سود قبل از کسر بهره و مالیات / کل دارایی (اندازه‌گیری کارایی عملیاتی بدون احتساب مالیات و ضریب اتکا به وام (نسبت بدهی به کل دارایی)). کارایی عملیاتی به‌عنوان عاملی در سوددهی بلندمدت در نظر گرفته می‌شود.

T_4 = ارزش بازار سهام / ارزش اولیه سهام (با اضافه کردن ابعاد بازار جهت نشان دادن نوسانات قیمتی)

T_5 = فروش / کل دارایی (اندازه‌گیری برای گردش سود)

آلتمن ضریب ویژگی شرکت‌های ورشکسته را به‌طور متوسط ۲۵/۰- و برای گروه نجات‌یافته به‌طور متوسط

نمودار ۱- نتایج حاصل از Z-Score



منبع: صندوق بین‌المللی پول.

۴۸/۴+ محاسبه کرد.

۳-۲. نتایج تحقیق

سپهاک و هس در ۱۲ کشور به بررسی بانک‌های اسلامی و متعارف پرداخته‌اند. نمونه بر اساس ارزش دارایی‌های مالی به دو قسمت بانک‌های بزرگ و کوچک تقسیم شده است (نمودار ۱).

نتایج Z را می‌توان به صورت زیر خلاصه نمود:

- بانک‌های کوچک اسلامی، اثبات‌تر از بانک‌های کوچک متعارف هستند؛
- بانک‌های بزرگ تجاری متعارف، اثبات‌تر از بانک‌های بزرگ اسلامی هستند؛
- بانک‌های کوچک اسلامی از بانک‌های بزرگ متعارف، اثبات‌تر هستند.

از این نتایج این گونه می‌توان برداشت نمود که افزایش ریسک بانکی در بانک‌های بزرگ اسلامی به دلیل محدودیت ابزار مدیریت ریسک، بیشتر از بانک‌های بزرگ متعارف است که قوانین بال^۸ را دنبال می‌کنند.

دوم اینکه استفاده از مشارکت به عنوان یک ابزار مالی در حد بسیار زیاد در بانک‌های بزرگ اسلامی نسبت به بانک‌های کوچک اسلامی، دارایی‌های بانک را با ریسک زیاد متوجه می‌سازد.

۴. بحران مالی جهانی اخیر و بانک‌های اسلامی

در سال‌های اخیر به علل گوناگون، نقدینگی و سرمایه بانک‌های اسلامی روند افزایشی را نشان می‌دهد و لزوم به کارگیری ابزارهای جدید را بیش از پیش نمایان ساخته است.

در کشورهای اسلامی حوزه خلیج فارس به دلیل افزایش نقدینگی حاصل از افزایش قیمت نفت، نیاز به ابزارهای مالی جدید در بانک‌های اسلامی به شدت احساس شد. بنابراین این بانک‌ها سعی داشتند تا منابع اضافی خود را مطابق شریعت سرمایه‌گذاری کنند. از طرف دیگر این کشورها با افزایش تقاضا از جانب صندوق تأمین مالی و سهام‌داران به سمت انتقال سهام خود به بانک‌های اسلامی، جهت کاهش

ریسک و پرگونه‌سازی سرمایه‌گذاری‌ها، مواجه شدند. این امر سبب یک افزایش شدید در بازار اوراق بهادار مالی بدون ربا شد (افزایش از ۲/۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۴ به ۲۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۶).

در دنیا بیش از ۳۰۰ بانک اسلامی با دارایی بالغ بر ۱۷۰ میلیارد دلار یعنی کمتر از ۱ درصد از کل دارایی‌های بانک‌های تجاری متعارف (با دارایی بالغ بر ۱۸ تریلیون) وجود دارد. کل سپرده‌های بانک‌های اسلامی در حدود ۱۴۲ میلیارد دلار در مقابل ۱۳ تریلیون دلار در بانک‌های متعارف تخمین زده شده است. ۹۲ درصد از کل سهام در بانک‌های اسلامی مربوط به خاورمیانه (بالغ بر ۱۷۵/۸ میلیارد دلار) است. سهم ایران از همه بیشتر و برابر با ۶۰ درصد است. عربستان سعودی با سهمی برابر ۱۳/۵ درصد در رتبه دوم می‌باشد و پس از آن به ترتیب کویت با ۸/۴ درصد، امارات متحده عربی با ۶/۴ درصد، مصر با ۳ درصد و نیز اردن با ۱/۵ درصد در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند. در جهان عرب سهم بانک‌های اسلامی بالغ بر ۶۲ میلیارد دلار تخمین زده شده است که بیانگر ۱۰ درصد کل سهام در دنیای عرب و بالغ بر ۶۷۵ میلیارد دلار می‌باشد.

۴-۱. قابلیت سوددهی مالی

حبیب و مولای در مقاله خود به بررسی تأثیرات بحران اقتصادی بر روی ثبات مالی بانک‌های اسلامی پرداخته‌اند.

اگرچه بانک‌های اسلامی نسبت به بانک‌های سنتی کمتر تحت تأثیر موج اول بحران مالی قرار گرفتند، با این حال در سال ۲۰۰۸ و نیمه اول ۲۰۰۹ میزان سودآوری هم در بانک‌های اسلامی و هم در بانک‌های سنتی کاهش قابل ملاحظه‌ای پیدا کرد تا جایی که حتی در موج دوم بحران، کاهش سودآوری بانک‌های اسلامی بیشتر از بانک‌های سنتی بود.

جدول ۱- سهم بازار و متوسط رشد دارایی‌ها در بانک‌های اسلامی و متعارف

(درصد)

کشور	نسبت دارایی‌های بانک‌های اسلامی به دارایی‌های کل	نرخ رشد دارایی‌های بانک‌های اسلامی	نرخ رشد دارایی‌های سیستم بانکی	دوره زمانی
عربستان سعودی	۳۵	۳۳/۴	۱۹	۲۰۰۳-۲۰۰۸
بحرین	۲۹/۹	۳۷/۶	۹/۶	۲۰۰۰-۲۰۰۸
کویت	۲۹/۹	۲۳/۲	۱۴/۳	۲۰۰۲-۲۰۰۸
امارات متحده عربی	۱۳/۵	۵۹/۸	۳۸/۱	۲۰۰۱-۲۰۰۸
قطر	۱۱/۵	۶۵/۸	۳۱/۹	۲۰۰۲-۲۰۰۸
شورای همکاری‌های خلیج	۲۳/۸	۴۴	۲۲/۶	۲۰۰۲-۲۰۰۸
اردن	۱/۳	۲۰/۶	۱۱/۲	۲۰۰۱-۲۰۰۸
یمن	۳۰/۲	۲۶/۵	۲۲/۷	۲۰۰۴-۲۰۰۸

منبع: Regional Economic Outlook for Middle East and Central Asia 2009

نمونه انتخابی آنها چهار بانک بزرگ اسلامی حوزه خلیج فارس در دوره زمانی ۱۹۹۸-۲۰۰۹ بوده است. نتایج مطالعه آنها برای سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ نشان می‌دهد که بحران اخیر نتوانسته تأثیر چندانی بر ثبات و روند سوددهی در این بانک‌ها بگذارد. اما این بدان معنی نیست که این بانک‌ها در این بحران آسیب ندیده‌اند بلکه این گونه به نظر می‌رسد که سیستم بدون ربا در بانکداری اسلامی می‌تواند به عنوان یک محافظ برای تسهیل مبادلات مالی عمل کرده و از ریسک‌های شدیدی جلوگیری نماید.

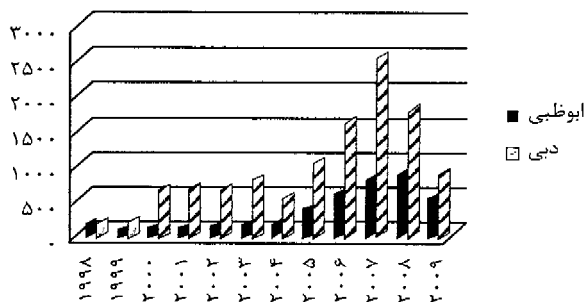
(درصد)

جدول ۲- شاخص‌های منتخب از بانک‌های اسلامی از شورای همکاری‌های خلیج (فارس) (۲۰۰۸)

شاخص	عربستان سعودی		کویت		امارات متحده عربی		بحرین		قطر		متوسط شورای همکاری‌های خلیج (فارس)	
	اسلامی	کل	اسلامی	کل	اسلامی	کل	اسلامی	کل	اسلامی	کل	اسلامی	کل
نرخ کفایت سرمایه	۲۲/۱	۱۶	۲۱/۷	۱۶	۱۲/۸	۱۲/۳	۳۴/۵	۱۸/۱	۱۷/۹	۱۵/۶	۱۹/۸	۱۵/۷
تغییرات در سوددهی (۲۰۰۷-۲۰۰۸)	۲	-۱۱/۸	-۴۲/۷	-۷۰/۱	-۷	۷/۹	۱۸/۸	-۴/۶	۴/۵	۲۱/۷	-۶/۶	-۱۳/۹
تغییرات در سوددهی (نیمه اول ۲۰۰۹-نیمه اول ۲۰۰۸)	۲/۹	-۱۱/۹	-۷۱/۹	-۶۵/۳	-۳۴/۲	-۱۹/۵	-۴۶/۵	-۳۳/۷	۰	۵/۱	-۲۹	-۲۳/۵
بازدهی دارایی	۳/۷	۲/۱	۱/۶	۳/۲	۱/۷	۲/۲	۲/۶	۱/۳	۶/۶	۲/۶	۳/۲	۲/۳
سهم در بخش ساختمان و مسکن (درصدی از کل وام‌ها)	۵/۶	۷/۳	۲۲/۱	۳۱/۴	۲۵/۷	۱۲/۹	۱۱/۳	۲۶/۲	۳۸/۳	۱۸/۴	۲۰/۶	۱۹/۲

منبع: Regional Economic Outlook for Middle East and Central Asia 2009

نمودار ۲- سود خالص دو بانک امارات متحده عربی (میلیون درهم)



منبع: بانک اسلامی دبی، بانک ADIB

۲-۴. بانک‌های اسلامی در گذران بحران مالی

اخیر

در بحران اخیر مالی اعتقاد بر این بوده است که بانک‌های اسلامی به دلیل ماهیت و نوع فعالیت‌هایشان کمتر آسیب دیده‌اند. تمرکز بانک‌های اسلامی بر بخش واقعی اقتصاد بوده و بر درآمد حاصل از سهام و اوراق تکیه ندارد و همچنین قوانین شریعت، خرید و فروش وثیقه‌ها و بدهی‌ها را نیز منع کرده و همین امر باعث شده است که بی‌ثباتی مالی اخیر تأثیر چندانی بر بانک‌های اسلامی نداشته باشد. البته به دلیل سیستم مالی جهانی و ارتباط بیش از پیش بانک‌ها با یکدیگر نمی‌توان این‌گونه تصور کرد که بانک‌های اسلامی کاملاً از تأثیرات منفی حاصل از این بحران مصون بوده‌اند.

مصون ماندن بانک‌های اسلامی در اوایل بحران، توجه بانکداری متعارف را به سمت بررسی دقیق‌تر سازوکار بانکداری اسلامی معطوف ساخت. موفقیت بانک‌های اسلامی در سال اول بحران مالی، پیش‌بینی‌های مثبتی را از ادامه این روند در بانک‌های اسلامی به وجود آورد. نتیجتاً پیش‌بینی‌های خوش‌بینانه از عملکرد این بانک‌ها باعث افزایش تقاضا نسبت به این بانک‌ها شد و موجب رشد مداوم بانک‌های اسلامی در سال‌های اخیر، در سطح منطقه‌ای و جهانی گردید.

۳-۴. ریسک پرتفوی

شش نوع ریسک برای مؤسسات خدمات مالی اسلامی طبقه‌بندی شده است: ریسک اعتباری، ریسک مشارکت در سرمایه‌گذاری، ریسک بازار، ریسک نقدینگی، ریسک نرخ بازدهی و ریسک عملیاتی.

همان‌طور که بررسی ریسک‌های بانک‌های متعارف و بانک‌های اسلامی نشان می‌دهد، انواع ریسک در بانک‌های اسلامی و متعارف سازگار و قابل مقایسه هستند. به علاوه ریسک اعتباری اساسی‌ترین ریسکی است که هر دو نوع از بانکداری با آن مواجه خواهند بود.

نتایج مطالعه انجام شده توسط صندوق بین‌المللی پول در سال ۲۰۰۹ در بررسی عملکرد بانک‌های متعارف

و بانک‌های اسلامی در دوران بحران برای ۵۰ بانک برتر در کشورهای حوزه خلیج فارس، حاکی از آن است که بانک‌های اسلامی در فاز اول بحران، کمتر آسیب دیدند. اما داده‌ها در ۲۰۰۹ نشان می‌دهد که کاهش سوددهی بانک‌های اسلامی از این سال به بعد نشان از رسیدن تأثیرات منفی بحران بر بخش واقعی اقتصاد (به‌خصوص بخش مسکن و ساختمان‌سازی) بوده است.

۴-۴. تمرکز ریسک

مهم‌ترین عامل در سرایت بحران به بانک‌های اسلامی مربوط به تمرکز ریسک در برخی از این بانک‌ها در کشورهای خاص بود. برای نمونه بانک‌های اسلامی در کشورهای عربستان سعودی، کویت و بحرین به‌نحو معنادارتری نسبت به بانک‌های اسلامی در کشورهای امارات متحده عربی و قطر، در معرض سرمایه‌گذاری‌های ریسکی در مستغلات قرار گرفتند.

همان‌طور که در جدول ۲ نشان داده شده، اگرچه بانک‌های اسلامی نسبت به بانک‌های سنتی کمتر تحت تأثیر موج اول بحران مالی قرار گرفتند، با این حال در سال ۲۰۰۸ و نیمه اول ۲۰۰۹ میزان سودآوری هم در بانک‌های اسلامی و هم در بانک‌های سنتی کاهش قابل‌ملاحظه‌ای پیدا کرد تا جایی که حتی در موج دوم بحران، کاهش سودآوری بانک‌های اسلامی بیشتر از بانک‌های سنتی بود. عملکرد ضعیف‌تر بانک‌های اسلامی در سال ۲۰۰۹ تا حد زیادی مربوط به کشورهای قطر و امارات متحده بود؛ زیرا بانک‌های اسلامی در این کشورها تا حد زیادی در معرض ریسک سرمایه‌گذاری در بخش‌های مستغلات و ساخت‌وساز بودند اما از طرف دیگر به‌طور متوسط، نرخ کفایت سرمایه در حوزه شورای همکاری‌های خلیج فارس برای بانک‌های اسلامی نسبت به بانک‌های متعارف بیشتر بوده است (به‌جز امارات متحده عربی).

۵. جمع‌بندی

منابع و مأخذ

- 1- Abu Dhabi Islamic Bank, from <http://www.adib.ae>.
- 2- Čihák, M Hesse, H. (2008). Islamic Banks and Financial Stability: An Empirical Analysis. *IMF Working Paper*, 16.
- 3- Dubai Islamic Bank, from <http://www.dib.ae/ar/index.htm>.
- 4- Habib, Z & Moulay, K. (2010). Les Banques Islamiques et la Crise Financiere: Une Analyse Empirique. Paris: Institut Supérieur de Cestion de Sousse, Colloque International Finance et Strategies de Developpment.
- 5- International Monetary Fund. (2009). Regional Economic Outlook: Middle East and Central Asia. Washington, D.C: International Monetary Fund.
- 6- Schinasi, J.G. (2004). Defining Financial Stability. *IMF Working Paper*, 187.

نقش بانکداری اسلامی در ترمیم بحران اقتصادی، یعنی زمانی که سیستم مالی سنتی با مشکلات بسیاری مواجه بود، بیش از پیش برجسته گردید؛ چرا که این نوع بانکداری توانسته بود در اوج این بحران مالی عملکرد بهتری از خود نشان دهد. اما در مجموع نمی‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که این بانک‌ها به دلیل ماهیت تجاری‌شان، از ریسک‌هایی که هر مؤسسه مالی را تهدید می‌کند، مصون می‌باشند. بانک‌های اسلامی نیز مانند هر مؤسسه خدمات مالی دیگر در معرض ریسک‌های تعریف‌شده قرار دارند. در نتیجه در زمینه ثبات مالی سوالات بسیاری پیش روی توسعه بانکداری اسلامی وجود دارد.

از آنجا که دلیل اصلی این بحران را می‌توان در ناتوانی مقررات مالی دانست، لزوم بازنگری برای ارزیابی مجدد عملکرد سیستم مالی و مقرراتی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت، این مسئله تنها به بررسی و نظارت بر ریسک‌های موجود در هر یک از مؤسسه‌های مالی منتهی نمی‌شد. در همین راستا اصلاح و بهبود مقررات مالی شامل تقویت موارد احتیاطی، بازتعریف حیطه مقرراتی، اصلاح حسابداری متداول و تقویت مدیریت ریسک از مباحث بسیار مهمی بود که به‌طور جدی در سیستم مالی جهانی مطرح گردید. با توجه به عملکرد بهتر و کاراتر بانکداری اسلامی در نیمه اول بحران و افزایش تقاضا برای خدمات ارائه شده توسط این بانک‌ها، توجه سیاستگذاران به سمت چگونگی کارکرد این نوع بانک‌ها جلب شد.

با وجود نواقصی از قبیل عدم شفافیت لازم و هماهنگی مقرراتی در بانکداری اسلامی، فرصتی مناسب برای توسعه و گسترش بانکداری اسلامی به وجود آمد. بنابراین بانک‌های اسلامی می‌توانند با توجه به نواقص موجود در سیستم مالی متعارف، سعی در رفع آنها داشته باشند و جهت یکپارچگی جهانی گام‌های بلندتری بردارند.

پی‌نوشت‌ها:

- 1- Habib Z and Moulay K, (2010).
- 2- Čihák and Hesse (2008).
- 3- Schinasi G. (2004).
- 4- Herding Behavior.
- 5- Edward Altman
- 6- Schinasi (2004).
- 7- Discriminate Model.
- 8- Basel
- 9- Gulf Cooperation Council